

بسم الله الرحمن الرحيم

به پیشواز از روز زن

خجسته ترین روز زنان جهان را به تمام زنان دنیا خاصاً زنان قهرمان، مادران دلسوز، شجاع و صبورمیهن زیبای ما افغانستان در شرایطی خدمت شان تبریک و تهنیت عرض میدارم که هنوز دید تاریک، تاریک بینان قرن و ابوجهل های تاریخ سیاه وطن ما از حق و حقوق زاده گان بشر چشم پوشی کرده و از مقام والای پاکیزه گی و شایسته گی آنها همچنان از نشمردن آنان منحیث یک انسان خود را غافل و جاهل ساخته و به گناه های بزرگ و معصیت دست زده و مسبب اصلی تمام بدبختی ها در جامعه فقیر مان میگرددند.



قبل از اینکه به تاریخچه برگزاری و تجلیل از روز زن و علت آن بپردازیم، باید ما زن را بشناسیم که این زن چه است و اسلام عزیز در باره زن چه میگوید و میبینیم که دین زیبای اسلام هزار و چهارصد سال قبل این همه مشکلات را حل نموده و زن را به صفت یک موجود زیبا، پاکیزه، و مهربان در پهلوی مرد خلق کرده است که در تمام عرصه های زندگی حقوق مساوی با مرد داشته و در بعضی از مسائل کمتر و در بعضی از مسائل اضافه تر از مرد دارای حق میباشند. اما جهان غیر از اسلام میبینیم که غافل از این همه قوانینی که قرآن و اسلام به آن اشاره کرده میباشند و از اثر این مشکلات و بدبختی ها مسئول مشکلات اخیر قرون نوزده ام و بیست ام میباشند، که زنان را مجبور به گرفتن حق و امتیازات ایشان ساخته که در زیر انشاءالله به شرح آن خواهیم پرداخت.

پیامبر فرمود: « سفارش مرا درباره زنان خود پاس بدارید تا از سختی حسابرسی رهایی یابید. هر که سفارش مرا پاس ندارد چه سخت است وضع او در پیشگاه خداوند.

امام صادق فرمود: « هر چه ایمان بنده افزون شود محبت او به زنان فزونی می یابد.

البته منظور از محبت در اینگونه احادیث، خوش رفتاری و پاسداشت کرامت زن در حد والای انسانی می باشد و هرگز نظر به جانب شهوت ندارد.

پیامبر فرمود: « بهترین مردم در دین باوری کسانی هستند که با همسرانشان بهتر (و انسانی تر) رفتار کنند و من از همه شما به خانواده ام مهربانترم.

خمینی می گوید:

«سعادت و شقاوت کشورها و ملت ها به دست زن است» و « از دامن زن مرد به معراج می رود» بر همین اساس می توان فهمید که اسلام چه اهمیت و ارزشی را برای زنان جامعه متصور شده است.

و یا هم میگویند که زن نصف پیکر جامعه را تشکیل میدهد. اما وای بر حال آن جامعه ی که نصف آن فلج باشد.

اگر بخواهیم يك تعريف كلي و کوتاه از وضعیت زن در اجتماعات امروز جهانی ارائه دهیم و آن مشخصه ای را که از همه مهمتر است بازگو کنیم، باید بگوییم که : زن در جهان امروزی به چند شاخه تقسیم میشود یکی زن شرقی و

د پاپو شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

: دلینکی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکی په خیر و لولی

دیگری زن غربی، که زن شرقی را میتوان به دو شاخه یعنی زن شرقی مسلمان و زن شرقی غیرمسلمان تقسیم کرد. همچنان زنان غربی را نیز به دو شاخه ی زن غربی مسلمان و زن غربی غیر مسلمان شاخه بندی کرد. نا گفته نباید گذاشت که تأثیرات محیطی، مذهبی، اقتصادی، فرهنگی در جهت عادات، طرز بینش، طرز تفکر و غیره مسائل تفکیکی انسانها از جمله جنسیت، آزادی فردی و اجتماعی، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن و امثال آن در جهت فرق میان زنها در اقسام مختلف جهان دارد.

زن شرقی مسلمان به زنی گفته میشود که خود را یا بنده به قوانین اسلامی، خانه، خانواده و اجتماع میداند و وضعیتی متفاوت دارد نظر به دیگر زنان و اینکه گفتیم خود را پابند به قوانین اسلامی میداند به این معنیست که خود را شناخته است حق و حقوقی را و حد و مرزی را که اسلام به زن تعیین کرده است، در چهار چوب همان حد و مرز پابند است و زندگی والای را صاحب میباشد که دارای موفقیت ها و خوشبختی ها میباشد. و از جمله سعادت مندترین انسانهای عصر خود به شمار میرود.

و زنی که پابند به محیط خانه و خانواده میباشد تقریباً در هر دو دارای یک نوع طرز زندگی وجود دارد که اکثرآ با وجود شرایط ناگوار و نامناسبی که میسوزد و میسازد و هنوز به صورت سنتی و تحت انقیاد تفکرات مردانه و خانه و خانواده زندگی می کند. و علت آن هم نبود آگاهی مردان از اسلام، بیسوادی زن و مرد، و نبود اقتصاد کافی میباشد، چون در یک خانه شرقی اشخاص متفاوت زندگی میکنند و زندگی مانند زندگی در غرب منفردانه و مستقل نسیت، برین منظور زن تحت تأثیر تربیه خانه و یا خانواده قرار گرفته و با عادت نمودن به همان عادات (مثبت و یا منفی) وابسته بوده، این وابستگی در طرز تفکر و دید وی تأثیر میگذارد. که تعداد زیادی از زنان افغانستان به این شاخه شامل میشوند.

و زنی که پابنده به قوانین اجتماعی میباشد، زنی است که با قبول قوانین نافذه آن کشور خو گفته و خود را هم رنگ جماعت میسازد. مانند اقلیت های غیر مسلمان در جوامع مسلمان.

زن شرقی غیر مسلمان زنی است که از نظر فرهنگ شرقی، دارای یک سلسله آداب و رسوماتی است که از آن در جهت تداوم زندگی به خاطر حفظ فرهنگ و سلیقه های محیطی و زیست محیطی استفاده کرده و در راستای حیات خود با تمدن معاصر گام به گام پیش میرود. مانند زنان چینی، جاپانی و ...

زن غربی زنی است که از قید و بندها رها شده است و در بسیاری از موارد از جمله مسائل حقوقی با مرد برابری کرده و حتی بعضاً دارای حق و حقوق اضافه از حقوق مرد میباشد.

و زن بودنش از هیچ يك از امکانات و امتیازات موجود در اجتماع محروم نمی کند و از ارزش های وی نمی کاهد و حتی این امتیازات در عمل با عث کم ارزشی زن در برابر مرد در دنیای عاطفه و زندگی مشترک میگردد. چون از نظر حقوقی در چارچوب قانون مدنی دارای امتیازات بوده و زن در محیط غرب خود را از هر حیث آزاد احساس میکند. و با اندک مشکلات و عدم تفاهم که در زندگی مشترک ایشان رخ میدهد دچار مشکلات روحی و روانی گردیده با شکست بزرگ مقابل میشود. و همچنان اگر آزادی از حد معمول آن بگذرد با عث به هم خوردن توازن میگردد و قسمیکه از تعریف آزادی پیداست که آزادی بدون قید و شرط فاجعه بار است به این خاطر استفاده سوء از زن و از موجودی که با عث عظمت بخشی انسان میشود یک وسیله تجارت و خوشگذرانی ساخته میشود که مثال آنرا ما خود از شرایط موجود در دنیای غرب هستیم. به طور کلی از نظر حقوقی زنان غربی وضعیت مختص به فرهنگ غربی را دارد. و فشاری به ان ها از خیلی جهات نیست. اما زن شرقی هنوز این وضعیت را ندارد. او از سری امتیازات محروم است و آزادی زن غربی را ندارد اما در عوض از حمایت مرد برخوردار است.

این مسئله باعث می شود که زن شرقی به مرد وابسته شود. در واقع زن شرقی از دید مرد شرقی با شرف ترین زن دنیاست. زیرا مرد شرقی نیز به همان پیمان خود را وابسته به زن خود میداند. و از بودن استثناعات در یک جامعه نمیتوان چشم پوشی کرد، که این نبشته گنجایش بحث بالای آنرا ندارد.

اینکه زن شرقی زندگی خود را در پناه مرد به سر می برد و مرد تکیه گاه او است. برای مرد شرقی نیز موضع از همین قرار میباشد و میتوان گفت که لازم و ملزوم یکدیگر هستند.

اما زن غربی مسلمان که از نظر اقتصادی، محیطی، تعلیمی و فرهنگی در وضعیت بهتر نظر به دیگر زنان دنیا قرار دارد، زنی و یا زنانی هستند که میتوانند الگوی خوب و ممثل خوب از چهره زیبای اسلام در محیط غربی باشند و قسمیکه دیده شده است زنان مسلمان بخصوص زنان مسلمان افغان در غرب از صفت خوبی برخوردار هستند. که میتوانند این عمل خوب را در اجتماعاتی که زندگی میکنند بهتر به تمثیل بگیرند و نمونه خوبی برای غیر مسلمانان شوند.

تاریخ روز جهانی زن هم زمان با تاریخ مبارزه سیاسی و اجتماعی علیه تبعیض است. این روز، روز همبستگی برای مبارزه در راه برابری حقوق و شرایط بهتر کاری و زندگی زنان است. انتخاب تاریخ روز هشتم ماه مارچ به عنوان روز جهانی زن به خاطر مبارزه زنان کارگر نساجی در سال ۱۸۵۷ در شهر نیویورک امریکا بر می گردد. شرایط کاری سخت و غیر انسانی و دستمزد کم کارگران زن که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم همراه با مردان در کشورهای صنعتی وارد بازار کار شده بودند، آنان را وادار به اعتراض و مبارزه صنفی به شکل های سازمان یافته و یا غیر متمرکز علیه این بی عدالتی می کرد.

در این روز کارگران نساجی زن در یک کارخانه بزرگ پوشاک برای اعتراض علیه شرایط بسیار سخت کاری و وضعیت اقتصادیشان دست به اعتصاب زدند. خاطره این اعتصاب برای کارگران نساجی باقی ماند. نارضایتی عمومی از این شرایط برای زنان کارگر ادامه داشت.

در هشتم مارچ سال ۱۹۰۸، بعد از گذشت بیش از پنجاه سال کارگران زن کارخانه نساجی کتان در شهر نیویورک با خاطره اعتصاب در این روز، به دلیل تبعیض و محرومیت و فشار زیاد کار در مقابل حقوق بسیار کم اعتصاب خود را شروع کردند. صاحب این کارخانه به همراه نگهبانان برای جلوگیری از همبستگی کارگران دیگر بخش ها با این اعتصاب و سرایت آن به بخش های دیگر این زنان را در محل کار خود در کارخانه محبوس کرد. به دلایل ناشناخته ای آتش در کارخانه در گرفت و فقط تعداد کمی از کارگران زن محبوس توانستند خود را نجات دهند. ۱۲۹ کارگر زن در آتش سوختند.

روز هشتم ماه مارچ بر پایه سنتی مبارزه کارگران زن علیه شرایط سخت کاریشان در خاطره ها ماند. با شروع جنگ جهانی اول، میلیونها مرد به جبهه ها گسیل شدند. زنان سوسیالیست در این سالها تظاهرات ۸ مارچ را بر علیه جنگ و کشتار و خرابی ناشی از آن برگزار کردند.

در ۸ مارچ ۱۹۱۷ در روسیه زنان علیه افزایش قیمت ها، تعطیلی کارخانجات و اخراج کارگران دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات در رویداد انقلاب فبروری همان سال در روسیه تأثیر زیادی داشت. در سال های بعد در کشورهای مختلف اروپایی و امریکا مبارزه زنان به شکل تظاهرات و اعتصاب کاری علیه فشار، تبعیض و استثمار کاری و همینطور برای داشتن برابری حقوق در اجتماع و علیه جنگ ادامه پیدا کرد.

از جمله یکی از مهمترین مدافعان حقوق زنان در کشور آلمان خانم کلارا زتکین (۱۹۳۳-۱۸۵۷) خواست های مبارزان زن در آلمان را مبنی بر هشت ساعت کار در روز برای زنان همینطور حق داشتن تعطیلات و مرخصی زایمان و برابری حقوق در مقابل قانون مطرح کرد.

در اروپا دومین کنفرانس سوسیالیستی بین المللی زنان که در آن صد شرکت کننده از هفده کشور جهان شرکت داشتند، به پیشنهاد کلارا زتکین در ۲۷ اگست سال ۱۹۱۰ در کپنهاگ روز هشتم ماه مارچ به عنوان روز زن و برای دفاع از حقوق آنان در مقابل تبعیضات مختلف و چند جانبه برگزیده شد.

اولین روز جهانی زن در ماه مارچ ۱۹۱۱ در دانمارک، آلمان، اتریش، سوئیس و امریکا برگزار شد. میلیون ها زن در برگزاری این روز شرکت کردند. خواست های اساسی زنان عبارت بودند از قوانین حمایت کننده کار برای زنان، حق رای و شرکت در انتخابات، علیه جنگ های امپریالیستی، برابری مزد با مردان در مقابل کار مساوی، هشت ساعت کار در روز، حمایت از مادر و کودک، تعیین حداقل مزد.

به دلیل بحران عمومی اقتصادی جهان در سال های سی و در همین ارتباط خطر فاشیسم مسائل مبارزاتی زنان در حاشیه قرار گرفت.

در فاصله دو جنگ جهانی علاوه بر موضوعات قبلی حق قانونی سقط جنین و حمایت از مادران نیز از اهمیت خاصی برخوردار شد. این مبارزه به یک حرکت بزرگ تبدیل شد به دلیل بحران اقتصادی که در آن زمان تمام اروپا را در بر گرفته بود، سالانه حدود یک میلیون زن وادار به سقط جنین می شدند. به دنبال آثار منفی این سقط جنین های غیر قانونی در سال ۱۹۳۱ تنها در آلمان حدود ۴۴۰۰۰ زن به مرگ رسیدند.

از طرف دیگر مسئله برابری مزد در مقابل کار برابر، کوتاه کردن ساعات کار، پایین آوردن قیمت اجناس و غیره نیز از خواست های زنان بودند. خواست هایی که برای امروز ما هم چندان بیگانه نیستند.

با روی کار آمدن حکومت دیکتاتوری فاشیستی در کشور آلمان و ممنوع کردن هرگونه تشکل مخالف امکان برگزاری این روز غیر ممکن گردید.

با وجود اینکه در این سال ها مبارزان حقوق زنان تاکید زیادی روی وضعیت اقتصادی زنان و فشارها و تبعیض در محیط کار بر آنان داشتند و کمتر به بافت مردانه و پیچیده جامعه پرداخت می شد، ولی زنان مبارز از کشورهای مختلف خواست های خود برای رفع تبعیض در خانواده و کار تربیتی زنان را نیز مطرح کرده بودند.

بعد از جنگ جهانی دوم در کشورهای اروپای شرقی جشن روز زنان در سال ۱۹۴۶ دوباره برگزار شد. در این کشورها روز زن به عنوان جشن رسمی و از طریق دولتی نیز به دلیل نشان دادن تمایلات حکومت به بهبود وضع زنان گرامی داشته می شد.

د پانو شمیره: له ۳ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
 دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

در کشورهای اروپای غربی در ابتدا بعد از جنگ هیچ برنامه‌ای در ارتباط با روز زنان برگزار نمی‌شد. بعدها این روز به عنوان روز مبارزه برای خواست‌های عمومی زنان و روز خانواده و جشن عمومی زنان تبدیل شد. در سال‌های هشتاد بود که در این کشورها روز هشتم مارچ باز هم اهمیت و معنی خاصی پیدا کرد. دوباره موضوعاتی مانند برابری حقوق زنان در تمام عرصه‌های زندگی، حق سقط جنین، رفع تبعیض در زندگی خانوادگی و حمایت از مادران در دوران حاملگی و بعد از زایمان مورد توجه قرار گرفتند. یکی از نقاط اوج این اعتراضات در سال ۱۹۹۴ روز اعتصاب زنان بود که بیش از یک میلیون زن در سراسر آلمان علیه تبعیض و نابرابری در حقوق زنان در آن شرکت کردند.

امروزه بزرگداشت این روز در تقریباً تمامی کشورها به عنوان روز اعتراض عمومی به اجحاف و فشار بر روی زنان و هم‌چنین تجلیل از کسانی که این مبارزه را شروع کردند و برای دگرگونی و بهبود وضع زنان تلاش ورزیدند، برگزار می‌شود.

در طی دو قرن گذشته پیشرفت‌ها برای به رسمیت شناختن و قبول حقوق اولیه و انسانی زنان اندک نبوده. در اکثر کشورهای جهان حق رای زنان و شرکت آنان در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی به رسمیت شناخته شده است. با وجود این راه طولانی برای انجام واقعی این خواست‌ها در پیش است.

از تاریخ برگزاری اولین روز زن اضافه‌تر از یک قرن می‌گذرد. اما هنوز هم دلایل زیادی وجود دارد که به عنوان زن و یا مدافع حقوق زنان در این روز از خواست‌های اولیه آنان در سراسر جهان به پشتیبانی برمی‌خیزند. زنان هنوز در موارد زیادی در خانواده، در اجتماع و یا در محیط کار مورد خشونت قرار می‌گیرند. قوانین زن ستیز در بسیاری از کشورها عمل می‌کنند. برای نیروی کار زنان در مقابل کار مساوی با مردان هنوز حتی در کشورهای صنعتی کمتر پرداخت می‌شود، درآمد نسبی زنان در همه کشورها بسیار پایین‌تر از مردان است.

ما باید متوجه شویم که در همین کشور های غربی و پیشرفته که از اثر تبلیغات و داشتن تکنولوژی‌های معلوماتی و رسانه‌های گپ اول را در جهای مطبوعات و اطلاع‌رسانی می‌زنند، می‌بینیم که ناقضین حقوق بشر در درجه اول اینها می‌باشند. ما باید ببینیم که چند در صد استادان یک دانشگاه را زنان تشکیل می‌دهند؟ و یا در رأس دولت چند زن دارای پس‌مهم و قابل توجه را دارند؟ و در پارلمان‌های دول اروپائی چند درصد کرسی را زنان احراز نمودند؟ و یا چند در صد از زنان در اروپا تحصیلات عالی دارند؟ اگر به واقعیت نگاه کرد با وجود این هم جو شرایطی که در غرب وجود دارد اصلاً در قسمت زن توجه‌شایانی صورت نگرفته است.

زنان از امکانات آموزشی و بهداشتی به مراتب کمتری برخوردارند. سه چهارم بیسوادان در سطح جهان را زنان تشکیل می‌دهند. اکثر آوارگان و پناهنده‌گان جنگی زنانند. قاچاق و خرید و فروش زنان، سوءاستفاده جنسی از آنان و غیره و غیره از نمونه‌های اجحافات آشکار علیه حقوق زنان هستند که امروزه بطور عادی و در همه جا اجرا می‌شوند. اگر باز به کشور های اسلامی نگاه کنیم می‌بینیم که در کشور عربستان سعودی که اسلام عزیز از آنجا ظهور نموده است. اصلاً زن هیچ ارزش و حیثیتی ندارد.

زنان زمانی می‌توانند داخل مکان‌های عمومی شوند که مردی از اعضای خانواده آنها را همراهی کند. زنان سعودی از حق رفتن به پزشک یا داکتر بدون همراهی و یا اجازه یکی از اعضای مرد خانواده محروم هستند.

در عمل پدر و یا همسر هر زنی حق تصمیم‌گیری برای او را دارد. ازدواج برای زنان در این کشور تنها بر اساس نظر پدر خانواده صورت می‌گیرد. به همین دلیل پدر می‌تواند دختر ۱۲ ساله‌اش را به عقد یک مرد ۸۰ ساله درآورد. جلوگیری از زنان از شرکت در انتخابات، که دیگر در عربستان کارکرد بسیار محدودی دارد، یکی دیگر از مسائلی است که این کشور را از دیگر کشورها متمایز می‌کند.

تا چند سال پیش هیچ زنی در عربستان سعودی دارای کارت شناخت یا هویت با هویت خود نبود. بلکه نام پدر و یا همسر هویت آنها را مشخص می‌کرد. اما در حال حاضر طبق قانون جدید هر زنی باید صاحب کارت هویت و یا پاسپورت با نام خود باشد. با وجود این هم هیچ زنی نمی‌تواند بدون اجازه قیم که شامل پدر و یا همسر می‌شود، کشور را ترک کند.

یکی دیگر از حقوقی که زنان سعودی از آن بی‌بهره‌اند، حق رانندگی است. عربستان سعودی تنها کشوری است که به زنان حق رانندگی را نمی‌دهد. از دید حاکمان سعودی، رانندگی کردن زنان نوعی گناه است.

تا سال ۱۹۹۰ رانندگی کردن زنان عملی تحریم شده از سوی جامعه به حساب می‌آمد، اما از این سال به بعد ممنوعیت رانندگی کردن زنان به شکل قانونی تصویب شد. ملک عبدالله، پادشاه عربستان، می‌گوید: "موضوع رانندگی زنان، یک موضوع اجتماعی است و این قانون، یعنی ممنوعیت رانندگی زنان، در کشور ما تغییر نخواهد کرد."

یکی از مقام‌های بلندمرتبه عربستان سعودی ممنوعیت رانندگی زنان را در کشورشان اینگونه توجیه می‌کند: " زنان حق ورود به مکان‌های عمومی بدون همراهی یک عضو مذکر از خانواده و همینچنین به دلیل ممنوعیت ارتباط با مردان نامحرم در جامعه، نمی‌توانند رانندگی کنند، زیرا به طور مثال ممکن است بر اثر یک تصادف، ارتباطی بین آنها و مرد بیگانه‌ی مانند پلیس صورت گیرد.

از سال ۱۹۶۶ زنان سعودی همچون مردان از حق تحصیل برخوردارند. آمار نشان می‌دهد، فیصدی زنان در حال تحصیل در عربستان بالاتر از مردان است. مردان و زنان در دانشگاه‌های جدا تحصیل میکنند. ورود مردان به دانشکده‌های زنانه ممنوع است. دانشجویان زن سخنان و تصاویر استادان مرد را از طریق تلویزیون‌ها و مونیتورهای نصب شده در کلاس‌ها دنبال می‌کنند.

ممنوعیت ارتباط روزمره زنان با مردان فقط مختص به محیط دانشگاه نیست، بلکه در تمام مکان‌های عمومی، هرگونه ارتباطی با جنس مخالف، به غیر از پدر، برادر و همسر برای زنان ممنوع است. به همین دلیل مکان‌هایی مانند مراکز خرید، رستوران‌ها و پارک‌هایی وجود دارند که مخصوص بانوان هستند. اما می‌توانند از آغاز سال ۲۰۰۸ تنها و بدون وجود قیم اما با مجوز رسمی آنها در هتل اقامت کنند.

با تأسف فراوان ما در حالی از حق و امتیازات زنان صحبت میکنیم که در جهان خیلی ناروایی‌هایی در حق زنان صورت میگیرد.

به امید اینکه ما افغانها در قدم اول بتوانیم که به زنان افغان همان حق، احترام و طرز فکر را پیدا کنیم که اسلام عزیز به آنها روا دارد، تا بندگان مصلح و مسلمانان واقعین دین مبین اسلام ناب محمدی شویم.
وسلام وعلیکم ورحمت الله وبرکاته

د پانوش شمیره: له ۵ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ